

واکاوی تاریخی مظلومیت سفیر کوچک کر بلا در گفت‌وگو با آیت‌الله نجم‌الدین طبسی

حضرت رقیه علیها السلام؛ حقیقتی که غیر قابل انکار است

وی در تکمیل این بحث می‌افزاید: ارتباط قلبی با حضرت(رقیه(س)، راهی میانبر برای درک عمیق مظلومیت سیدالشهدا(ع) است. کسی که دلش با این کودک دردمند گره بخورد و با اشک‌های او انس بگیرد، دیگر در برابر فساد، تباهی و ظالم زمانه ساکت نمی‌نشیند و روح آزادی‌گر در او زنده می‌شود. این بانو، در آن روزگار سفیر پیام کر بلا در قلب مرکز حکومت امویان بود و امروز نیز سفیر دل‌های دردمندی است که در هیاهوی جهان مادی، به دنبال پناهگاهی برای آرامش و حقیقت می‌گردند. همان‌گونه که امام حسین(ع) در مسیر نهضت خود فرمودند «مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲) این کودک آزاده نیز با شهادت مظلومانه خود در خرابه، ذلت اسارت تحمیلی را به عزت ابدی شهادت تبدیل و نام خود را به عنوان سندی از حقانیت قیام‌پدرش، در تاریخ اسلام برای همیشه ثبت کرد.

■ **رقیه(س)؛ نقطه اتصال عاطفه و بصیرت**

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با تأکیدی عمیق بر لزوم پیوند میان عقل و قلب می‌گوید: آنچه ما را به قیام جاودان کر بلا متصل می‌کند، روح حماسه را در وجودمان زنده می‌دارد، پیوند عاطفی و گره خوردن جان با شخصیت‌های قدسی این واقعه است. حضرت رقیه(س) در این میان، نقطه عطف این پیوند عاطفی و پتیده است؛ کودکی که در اوج درد، رنج اسارت و تازیان‌های شام، از پدر نخواست او را به مدینه بازگرداند یا از رنج‌ها برهاند، بلکه تنها اشتیاق دیدار پدر را در سینه داشت. این عشق خالصانه و بی‌پیرایه، همان داروی شفابخشی است که می‌تواند روح سرگشته انسان مدرن را که در گرداب پوچی و مادی‌گرایی گرفتار شده، نجات دهد. وقتی انسان با این حقیقت پاک پیوند می‌خورد، در واقع از حصار تنگ دنیا فراتر رفته و به منبع لایزال نور الهی متصل می‌شود. آیت‌الله طبسی در پایان تصریح می‌کند: ما با شناخت صحیح جایگاه رفیع این بانو، در واقع در حال صیانت و حفظ هویت اصیل شیعی خود هستیم؛ هویتی که در آن، محبت خالصانه به اهل بیت(ع) هیچ‌گاه از بصیرت تاریخی و آگاهی سیاسی جدا نمی‌شود. در مکتب تشیع، اشک بر مظلوم، سلاحی برنده علیه ظالم است و شناخت حضرت(رقیه(س) نیز از این قاعده مستثنا نیست. این معرفت، ما را به درک دقیق‌تری از عمق جنایات جبهه باطل و عظمت ایثار جبهه حق می‌رساند. بنابراین، اهتمام به سیره و مصائب ایشان، نه یک اقدام احساسی صرف، بلکه یک وظیفه برای حفظ میراث عاشورا است. با شناخت این سفیر کوچک، در واقع در حال بازخوانی دفتر مظلومیت حسین(ع) هستیم تا در هر زمان و مکانی، در برابر یزیدیان زمان خود، با بصیرتی برگرفته از مکتب اهل بیت(ع) ایستادگی کنیم و پرچم حق‌طلبی را همواره برافراشته نگاه داریم.

■ **پیوند عاطفی پایدار با کودکی که قربانی شر می‌شود**

سومین نشانگان شهادت کودکان، پیوند عاطفی ثابت، پایدار و جاودانه‌ای است که با افکار عمومی برقرار می‌کند. هنگامی که مظلومیت حضرت رقیه(س)، اسارت ایشان و سپس شهادتشان در شام برای مردم روایت می‌شود، همگان با آن پیوند عاطفی برقرار می‌کنند. این پیوند عاطفی، موقت، وزودگذر نیست؛ بلکه ثابت، پایدار و جاودانه است. از این ظرفیت باید به‌درستی استفاده کرد. همان‌گونه که در برخی وقایع معاصر، از جمله شهادت دانش آموزان میناب، لامرد و... این پیوند عاطفی پایدار به دیگران منتقل شد.

■ **ضد اخلاقی‌ترین نماد، تفنگی است که به سوی کودک نشانه می‌رود**

چهارمین نشانگان شهادت کودکان آن است که این امر، دارای ویژگی آشکار ضد اخلاقی است. همه انسان‌ها اعتراف و اقرار می‌کنند در هر نبردی، اگر کودکی قربانی شود، چون بی‌گناه است، مرد رزم نیست و زره بر تن ندارد، ظلم و اسارت او مصداق عینی یک عملکرد ضد اخلاقی است و ملموس‌ترین نماد آن سلاحی است که در برابر کودکی ضعیف و بی‌سلاح گرفته می‌شود. از این رو، شهادت و اسارت کودکان در وجدان عمومی بشری به‌عنوان نشانه‌ای روشن از سقوط اخلاقی جبهه باطل دشمن است.

از رهگذر این چهار مفهوم و نشانگان در شهادت کودکان، متوجه می‌شویم که چرا عاشورا صرفاً یک حادثه متعلق به شیعیان یا مسلمانان باقی‌نماند، بلکه به حقیقتی انسانی و جهانی تبدیل شد که وجدان بیدار همه انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد.

■ **عزاداری امام حسین(ع)؛ عامل وحدت و عزت ملی**

در کنار همه این معانی باید توجه داشت که عزاداری امام حسین(ع) و خاندان ایشان یک عامل پیش‌برنده برای وحدت و عزت ملی ماست، زیرا نمادی غیرقابل انکار از خیر و حق مطلق در برابر شر محض است. نمادی که امروز هم تکلیف ما را در میدان مبارزه روشن می‌کند. از دیگر سوی از گذشته تاکنون عزاداری امام حسین(ع) در هویت تأسیسی ملت ایران نقش مهمی ایفا کرده می‌کند و به مردم ما کمک می‌کند عزت خویش را بدست آورند. عزاداری امام حسین(ع) جمعیت را به جماعت تبدیل می‌کند. آنچه در اسلام حائز اهمیت است، امت و جماعت است. جماعت، صرفاً انبوهی از افراد نیست؛ بلکه جمعیتی است که مبدأ و مقصد واحد، امام واحد و هدف مشترک دارد.

بنابراین، در پایان سخن باید اشاره کرد از ظرفیت عزاداری امام حسین(ع) باید برای غیرفعال‌سازی گسست‌های اجتماعی و تبدیل آن‌ها به وحدت ملی استفاده کرد. این ظرفیت، سرمایه‌ای بزرگ برای جامعه ماست؛ سرمایه‌ای که نه تنها در ساحت دینی، بلکه در عرصه اجتماعی، فرهنگی و ملی نیز می‌تواند منشأ هم‌گرایی، انسجام و عزت باشد.



اسراست. چنان‌که در روایات متعددی از امام صادق(ع) بر لزوم زنده نگه داشتن یاد مصائب اهل بیت(ع) و ذکر مظلومیت‌های آنان تأکید شده است(کافی، ج ۲، ص ۴۵۴). این دختر خردسال، به مثابه سندی زنده و گواهی مظلومیت آل‌الله(ع) در مسیر پررنج اسارت است که یاد او پیوندی ناگسستنی با قیام‌پدرش دارد.

■ **رقیه(س)؛ نماد ایستادگی در اوج غربت**

آیت‌الله طبسی با واکاوی چرایی اهمیت وجود این کودک برای مخاطب امروز تصریح می‌کند: حضرت رقیه(س) تنها یک نام تاریخی در صفحات مقاتل نیست؛ بلکه او تجسم عینی صبر و استقامت در اوج غربت و تنهایی است. در شرایطی که یزیدیان با تمام توان تبلیغاتی و نظامی خود سعی داشتند با بردن اسرا به شام، پیروزی پوشالی خود را جشن بگیرند و نام آل‌الله(ع) را برای همیشه در تاریخ محو کنند، ناله‌های جانسوز این کودک در خرابه شام، کاخ یزید را بر سر او آوار و چهره کرب‌نیامیه را برای جهانیان رسوا کرد. امروز که ما در دنیایی پیچیده و پر از بی‌عدالتی زندگی می‌کنیم، یادآوری ایستادگی این دختر سه‌ساله در برابر هیمنه پوشالی ظالمان، به ما می‌آموزد که حق، حتی اگر در کالبد کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین افراد تجلی یابد، می‌تواند بزرگ‌ترین قدرت‌های استکباری را به چالش بکشد و آنان را به زانو درآورد. این بانو، الگوی مقاومت معصومانه در برابر ستم مطلق است.

مواجه است. ابن‌فندق که از بزرگان علم انساب در قرن ششم بوده و از جایگاه علمی والایی در میان علمای شیعه و سنی برخوردار است، در کتاب ارزشمند «لباب الانساب» به‌صراحت از وجود دختری به نام رقیه(س) برای امام حسین(ع) یاد کرده است. استاندارد به‌چنین چهره‌ای که خود از متخصصان فن نسب‌شناسی است، سندی متقن و غیر قابل انکار محسوب می‌شود. علمای بزرگ انساب در طول قرون، همواره با دقت و وسواس فراوان، مراقب حفظ شجره‌نامه‌ها بوده‌اند و اگر نامی را در آثار خود ثبت کرده‌اند، قطعاً بر اساس منابع و شواهدی بوده که بسیاری از آن‌ها در تلاطم فتنه‌ها و حوادث تلخ تاریخی از دسترس ما خارج شده و به دست ما نرسیده است.

وی در ادامه با تقدیر و یک‌دسواس گونه برخی افراد، ادامه می‌دهد: متأسفانه برخی چنین تصور می‌کنند که اگر درباره شخصی در مقاتل اولیه یا کتب مشهور قرن سوم و چهارم مطلبی نیامده باشد، پس وجود آن شخصیت زیر سؤال است؛ اما این دیدگاه با اصول دقیق علم تاریخ در تضاد است. بسیاری از وقایع مهم تاریخی که ما امروز آن‌ها را به عنوان مسلمات تاریخ می‌پذیریم، نه با اسناد متواتر، بلکه از طریق نقل‌های معتبر تاریخی ثبت شده‌اند. امام حسین(ع) در وداع آخر خود با اهل حرم، مصیبت‌های بسیاری را برای خاندان خود پیش‌بینی کردند که شهادت دختر خردسالشان در شام، تداوم همان خط سرخ کر بلا و اوج مظلومیت کاروان

می‌شود، افسانه حکومت مقتدر و شکست‌ناپذیر اموی که سعی داشت با تکیه بر پروپاگاندا، خود را مشروع جلوه دهد، در هم می‌شکند و حقیقت مظلومیت خاندان پیامبر(ص) برای نسل‌های جدید آشکار می‌شود. بنابراین، شبهه افکنی و تردید در تاریخ‌زندگی ایشان، نه یک کنج‌کاوی علمی، بلکه بخشی از یک نبرد تمام‌عیار عقیدتی است که هدفش جداسازی شیعیان از ریشه‌های عاطفی و حماسی قیام عاشورا است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند، در حالی که خداوند نور خود را کامل می‌کند، حتی اگر کارخان را خوش نیاید» (سوره صف، آیه ۸). این حرم، همان نوری است که با وجود تمام تلاش‌های سیستماتیک برای محو نام و یاد این کودک، امروز پرفروغ‌تر و پرشورتر از همیشه، مأمن دل‌های سوخته و گواهی بر حقانیت راه امام حسین(ع) در قلب شام باقی مانده است.

■ **استاد به منابع کهن؛ پاسخی به ادعای ساختگی بودن**

این پژوهشگر نام‌آشنای تاریخ اسلام با اشاره به ادله تاریخی موجود که در کتاب «رقیه‌بنت‌الحسین(ع)» بیان کرده، خاطرنشان می‌کند: برای اثبات یک شخصیت تاریخی، هرگز نیازی نیست تمام مورخان عالم بر سر آن اجماع مطلق داشته باشند، زیرا تاریخ اسلام در بسیاری از وقایع جزئی با سکوت یا پراکنده‌گویی مورخان

شهادت دخت سیدالشهدا(ع) نماد مطلق حق در برابر شر محض است

برای خانم رقیه علیها السلام و رقیه‌های شهید امروز



مسیحی کنیم. این سخن نشان می‌دهد او ظرفیت و غنای پیام عاشورا را دریافته است. یکی از دلایلی که سبب می‌شود مسیحیان، بوداییان، ارامنه و دیگر گروه‌ها با امام حسین(ع) ارتباط برقرار کنند، آن است که آنچه در روز عاشورا رخ داد، به گونه‌ای مدیریت و مهندسی شد که محدود به مذهب، نژاد، قومیت و ملیت خاصی نماند. حضرت سیدالشهدا(ع) عاشورا را به واقعه‌ای فرازمانی و فرامکانی تبدیل کردند و یکی از مهم‌ترین دلایل آن، حضور کودکان و نقش آفرینی آنان در این واقعه است.

■ **شهادت کودک؛ نخستین نشانگان ادراکی و معرفتی**

همان‌طور که اشاره شد، شهادت کودکان در واقعه عاشورا، دال‌ها و نشانگانی دارد که این حادثه را به‌رخدای فرامذهبی، فراملی، فراقومی و فرانژادی بدل کرده است. نخستین و مهم‌ترین نشانگان قربانی شدن کودک، این است که کودک دارای درک روشن و معرفت ویژه‌ای در افکار عمومی است. کودک نماد معصومیت است و همین معصومیت سبب می‌شود همه انسان‌ها با شهادت او پیوند برقرار کنند. در نتیجه، در تقابل خیر و شر، یک درک روشن و معرفت ویژه شکل می‌گیرد. تمامی انسان‌ها، در هر مذهب و فرهنگی که باشند، قربانی شدن کودکان را نماد سلطه شر، سپاهی و تاریکی می‌دانند. در واقعه عاشورا جهانیان دیدند سپاه عمر بن سعد که نمایندگی جبهه باطل را در برابر امام حسین(ع) بر عهده داشت، حتی به

مریم احمدی شیروان | در تقویم حزن‌انگیز ماه صفر، روزی است که داغ دل عالم تازه می‌شود؛ روزی که خرابه شام، شاهد پرواز غریبانه دختری سه‌ساله بود که در اوج غربت اسارت، به جای آغوش گرم پدر، با تنی رنجور و روحی بی‌قرار، جان به جان آفرین تسلیم کرد. او که رقیه نام داشت سند زنده و گویای مظلومیت حسین(ع) در قلب مرکز حکومت امویان است. امروز، پنجم صفر فرصتی است تا در میان هجمه‌های تردید و شبهات تاریخی، به حقیقت مستند مظلومیت آن طفل دردمند ببیند بشیم. در همین راستا، کتاب «رقیه‌بنت‌الحسین(ع)» پاسخی به تأملات و سؤالات» به قلم آیت‌الله نجم‌الدین طبسی، اثری است که با رویکردی عالمانه و با استناد به منابع کهن تاریخی و علم انساب، به واکاوی مستندات وجود این بانوی مکرمه پرداخته و غبار تردید را از چهره این ستاره درخشان کر بلا زوده‌است. برای درک عمیق‌تر این موضوع و واکاوی ابعاد تاریخی مظلومیت سفیر کوچک عاشورا، پای صحبت‌های نویسنده این اثر، آیت‌الله نجم‌الدین طبسی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مدیر مؤسسه واده صدیقیه کبری(س) نشستیم. در این گفت‌وگو همراه ما باشید تا با نگاهی دقیق و عالمانه، پیوند قلبی‌مان را با این کودک آزاده که نامش لرزه بر ارکان ظلم امویان انداخت، مستحکم‌تر کنیم.

■ **چرا دشمنان به دنبال خاموش کردن نام رقیه(س) هستند؟**



آیت‌الله طبسی با نگاهی عمیق به هجمه‌های تاریخی و رسانه‌ای علیه نام حضرت رقیه(س) می‌گوید: جریان انکار وجود این بانوی مکرمه، هرگز یک بحث صرفاً آکادمیک یا تاریخی نبوده، بلکه ریشه در یک هدف راهبردی و سیاسی کلان دارد. دشمنان اهل بیت(ع) و جریان‌های منحرف به‌خوبی دریافته‌اند این بارگاه شریف در قلب دمشق و در مرکز سرزمین شام که روزگاری مقر اصلی حکومت ستمگران اموی بود، امروز به کانونی برای هدایت انسان‌های آزاده و ترویج مکتب حیات‌بخش تشیع تبدیل شده است. و هابیان و جر بان‌های تکفیری که سال‌ها ست میلیون‌ها دلار از ثروت‌های بادآورده خود را صرف تخریب قبور اولیای الهی و انفجار بقاع متبرکه و حرم‌اشم(ع) کرده‌اند، به‌درستی درک کرده‌اند که هر زائر این خرابه، با شنیدن نام رقیه(س) (خاندان خود) پیوند عمیقی میان دردها و رنج‌های این کودک سه‌ساله و ظلم عظیم یزیدیان در کر بلا برقرار می‌کند؛ پیوندی که در نهایت منجر به نفرت از ظالمان و گرایش به حقیقت اسلام‌ناب می‌شود.

او در ادامه این بحث اضافه می‌کند: القای شبهه در وجود این بانو و تلاش برای افسانه خواندن مصائب ایشان، در واقع تلاشی برای تضعیف این محور مقاومت معنوی در قلب سرزمین شام است. وقتی نام رقیه(س) در کوچه و خیابان‌های شام طنین‌انداز

گفت‌وگو

رقیه‌خانه عامل نیک | در هر عصری کودکان امید و آینده هر ملت و امتی‌اند. وقتی در مواجهه با آسیب‌های زندگی قرار می‌گیرند ره انسانی با پایین‌ترین درجه از رحم و عطفوت نیز قلب و روحش زجر به‌دار می‌شود. اما اکنون شاهدیم دشمنان ما لباس تمدنی ظاهر فریبانه خود را به دور انداخته و دیگر کودک و غیرکودک برایشان معنایی ندارد. دشمن تاریخی امت اسلام و ملت ایران، رژیم غاصب اسرائیل و آمریکا دیگر شعارهای آزادی، دموکراسی و تمدنی خود را کنار گذاشته‌اند و با به‌شهادت رساندن کودکان، به گمان خود آینده و امید ملت‌ها را نابود می‌کنند، در حالی که نمی‌فهمند دوام ما به اندازه قوام خون شهدایمان است؛ به‌خصوص شهدای کودک که هیچ انسانی آن رافراموش نکرده و اجازه پامپال شدنش را نمی‌دهد. این حقیقتی است که تا رخ اسلام و زندگی ائمه معصوم(ع) به‌خصوص سیدالشهدا(ع) به همراه خانواده مکرمشان به جهانیان ثابت کرده‌اند. همان‌طور که یزید و یزیدیان به خواری افتادند، دشمنان این مرز و بوم نیز طعم خواری را خواهند چشید.



آنچه در پی می‌آید، حاصل گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر امیرمحسن عرفان، عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی درباره ابعاد شناختی، روایی و اجتماعی شهادت کودکان اهل بیت نبوت(ع) به‌ویژه شهادت حضرت رقیه(س) است. شهادتی که تنها یک واقعه نظامی و تاریخی نبود، بلکه مصحنه‌ی ماندگار در تقابل حق و باطل است. در این میان، نقش خانواده و کودکان در فهم جهانی مظلومیت امام حسین(ع) و فرامذهبی، فرازمانی و فرامکانی شدن پیام عاشورا، جایگاهی برجسته دارد. امری که در شرایط کنونی کشور و شهادت مظلومانه هموطنانمان به‌خصوص کودکان، برای احقاق حق و رساندن صدای مظلومیت ملت ایران در سطح جهانی، قابل‌ال‌گوبرداری و استناد است. مشروح این گفت‌وگو را بخوانید.

■ **عاشورا؛ دو ساحت نبرد سخت و پیروزی روایی**

عاشورای امام حسین(ع) را باید در دو ساحت و دو قلمرو بررسی کرد. یک ساحت، ساحت نبرد، رزم و جنگ سخت است و ساحت دیگری، ساحت جنگ نرم، یعنی صحنه و میدان شناخت‌ها، ادراک‌ها و روایات‌ها. امام حسین(ع) در روز عاشورا در میدان نبرد سخت، هر چند جان شریف خود و عزیزانشان را فدا کردند، اما پیروز میدان روایت‌ها و مهندسی شناخت‌ها و ادراکات بودند. باید توجه داشت که شکست در میدان رزم در عرصه سخت‌افزاری نبرده، به معنای شکست در میدان شناختی و ادراکی نیست. عاشورا، عقبه‌ای شناختی و پسینه‌ای روایی نیز دارد که میدان تقابل روایت‌هاست. ما معتقدیم امام حسین(ع) برنده میدان روایت عاشورا هستند. این پیروزی را می‌توان در سخنان و مواضع اهل بیت(ع) پس از واقعه عاشورا به‌روشنی مشاهده کرد.

حضرت زینب کبری(س) هنگامی که عبیدالله بن زیاد به